

تحلیل گفتمان عینی وذهنی استفاده از اینترنت با تأکید بر روش کیفی

حسین بهروان

چکیده

هدف این مقاله بررسی ابعاد اجتماعی بومی سازی استفاده از اینترنت در جامعه اطلاعاتی از طریق توصیف چگونگی تعامل کاربران با اینترنت و نیز چگونگی کاربرد روش تحقیق کیفی در این زمینه است. بدین منظور ابتدا ویژگی های جامعه اطلاعاتی، پس از آن رویکرد های استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) و چارچوب مفهومی موضوع بومی سازی تکنولوژی بررسی شده و سپس جنبه هایی از روش کمی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. تأکید عمده بر چگونگی استفاده از مورد های محدود با روش کیفی در تحلیل موضوعات اجتماعی است که در جامعه علمی ما کمتر رواج دارد. نتایج نشان می دهد که تکنولوژی بومی در بازار عینی ولی در زندگی مردم ذهنی است. بومی شدن تکنولوژی معمولاً از دیدگاه عینی بیشتر مدنظر است ولی از فرایند ظریف بومی شدن فردی غفلت می شود. همچنین در این مقاله ضمن استفاده از مورد های محدود با روش کیفی چگونگی کاربرد این روش در موضوع استفاده از اینترنت در جامعه اطلاعاتی نشان داده شده است.

کلیدواژه ها: اینترنت، بومی سازی تکنولوژی، روش کیفی، تحلیل گفتمان.

مقدمه

پیش رفته ترین جامعه امروز از دیدگاه تکامل جوامع، جامعه اطلاعاتی^(۱) نامیده شده است. جوامعی که تا کنون بشر تجربه کرده، جامعه شبانی، کشاورزی، صنعتی یا فراصنعتی نامیده شده که خصیلت ویژه جامعه اخیر، جامعه اطلاعاتی است. سطح تکنولوژی نشان دهنده درجه تکامل جوامع از گذشته تا کنون بوده زیرا ابداع و گسترش آن بستگی به تحول ذهنی و فکری بشر داشته و تکنولوژی به نوبه خود باعث تحول فرهنگی گردیده است. ورود تکنولوژی از جامعه ای به جامعه دیگر نیز دگرگونی فرهنگی را به دنبال دارد. جوامع امروز بر حسب

1. Information Society

پیش رفت دانش و تکنولوژی طبقه بندی می شوند و جامعه ما در عصر حاضر با پدیده ورود تکنولوژی اطلاعات و اینترنت روبه رو می باشد. دگرگونی های گسترده در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متأثر از این نوع تکنولوژی و پیامدهای گوناگون آن در کشورهای صادر کننده و وارد کننده، بحثها و دیدگاه های مختلفی را مطرح ساخته است و تحقیقات گسترده و گوناگونی را به دنبال داشته و دارد به طوری که بررسی آن ها از جهات مختلف به منظور برخورد مناسب با این پدیده و جهت دادن تحقیقات اجتماعی با روش کیفی به سمت آن ضروری می باشد، زیرا در کشور ما با وجود کمبود تحقیق درباره بومی سازی اینترنت، اغلب تحقیقات انجام شده درباره استفاده از اینترنت نیز با روش کمی صورت گرفته است. لذا هدف این مقاله بررسی ابعاد اجتماعی بومی سازی استفاده از اینترنت در جامعه اطلاعاتی از طریق توصیف چگونگی تعامل کاربران با اینترنت و نیز چگونگی کاربرد روش تحقیق کیفی در این زمینه است. لیکن این امر مستلزم بررسی ویژگی های جامعه اطلاعاتی، رویکرد های استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT)^(۱) و نیز نقد روش کمی می باشد.

جامعه فراصنعتی و جامعه اطلاعاتی

جامعه اطلاعاتی جامعه ای است که در آن خلق، توزیع، پخش، استفاده و دست کاری اطلاعات یک فعالیت مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد. اقتصاد اطلاعات و دانش، جزء لاینفک آن است که توسط آن تولید ثروت از طریق بهره برداری اقتصادی از دانش میسر می گردد. ویژگی خاص این نوع جامعه موقعیت مرکزی تکنولوژی اطلاعات برای تولید اقتصادی و جامعه به طور کلی می باشد. (OECD, 1986 سایت اینترنت) جامعه اطلاعاتی به دنبال جامعه صنعتی به وجود آمده است و مفاهیم مرتبط با آن عبارتند از جامعه صنعتی یا فراصنعتی^(۲)، اقتصاد دانش یا اقتصاد اطلاعات، جامعه شبکه ای، سرمایه داری اطلاعاتی و امثال آن. این مفاهیم پرسش جامعه شناختی مهمی را مطرح می سازند که نقش تکنولوژی و اطلاعات در جامعه معاصر چیست؟ پاسخ آن برای نظریه جامعه اطلاعاتی حایز اهمیت است. (OECD, 1981 سایت اینترنت)

مک لوپ فیرتز^(۱) (1962 سایت اینترنت) واژه صنعت دانش را ابداع کرد. او پنج بخش را در این صنعت متمایز ساخت: آموزش، تحقیق و توسعه، رسانه جمعی، تکنولوژی اطلاعات، علوم ارتباطی. وی بر اساس این طبقه بندی محاسبه نمود که در سال ۱۹۵۹ معادل ۲۹٪ در آمد آمریکا در صنایع دانش تولید شده است. پیتر دراگر^(۲) (1969 سایت اینترنت) استدلال کرد که ما در حال گذار از اقتصاد مبتنی بر کالاهای مادی به اقتصاد مبتنی بر دانش هستیم. مارک پورات^(۳) (1977 سایت اینترنت) بخش اولیه (که کالاها و خدمات اطلاعاتی مستقیماً وارد تولید، توزیع و تبدیل اطلاعات می شود) و بخش ثانویه (که خدمات اطلاعاتی توسط دولت و شرکت های غیر اطلاعاتی برای مصرف داخلی تولید می شود) را در اقتصاد اطلاعاتی متمایز کرد. پورات ارزش کل افزوده توسط این دو بخش در تولید ناخالص ملی را به عنوان شاخص اقتصاد اطلاعاتی مورد استفاده قرارداد. بر اساس این تعاریف جامعه اطلاعاتی جامعه ای است که در آن بیش از نیمی از تولید ناخالص ملی از اقتصاد اطلاعات به دست آمده و بیش از نیمی از افراد شاغل در این بخش مشغول کارند (Deutsch, 1983:68-88).

دانیل بل^(۴) تعداد کارکنان شاغل در تولید خدمات و اطلاعات را شاخص ماهیت اطلاعاتی بودن جامعه می داند و می گوید: "یک جامعه فرا صنعتی مبتنی بر خدماتی است که واحد شمارش آن قدرت عضلاتی یا انرژی نیست بلکه اطلاعات است و اکثر افراد شاغل در تولید کالاهای مادی اشتغال ندارند" (Bell, 1976:127-348).

آلن تورن^(۵) نیز در سال ۱۹۷۱ سخن از جامعه فرا صنعتی به میان آورده است و می گوید "ورود به جامعه فرا صنعتی زمانی رخ می دهد که سرمایه گذاری منجر به تولید کالاهای نمادین می شود که ارزش ها، نیازها و بازنمایی ها را بیش از آنچه که در تولید کالاهای مادی یا حتی خدمات مطرح است، تغییر می دهد. جامعه صنعتی وسایل تولید را تغییر داده در حالی که جامعه فرا صنعتی اهداف تولید یعنی فرهنگ را تغییر داده است. در جامعه فرا صنعتی هدف، دخالت جامعه بر روی خودش و کل نظام اقتصادی است. به همین دلیل می توانیم آن را یک جامعه برنامه ریزی شده بنامیم، زیرا این عبارت ظرفیت آن را دارد که مدل های مدیریت، تولید،

1. Machlup Firtz
2. Peter Drucker
3. Marc porat
4. Daniel Bell
5. Alain Touraine

سازمان، توزیع، و مصرف را ابداع نماید، به طوری که چنین جامعه‌ای در تمام سطوح کارکردی خود محصول عملی است که روی خود انجام می‌دهد و نه محصول قوانین طبیعی یا ویژگی‌های فرهنگی (Touraine, 1988:104). در جامعه برنامه‌ریزی شده قلمرو تولید فرهنگی از جمله جنبه‌هایی مانند اطلاعات، مصرف، بهداشت و سلامت، تحقیقات و آموزش صنعتی خواهد بود. به عبارت دیگر، جامعه بخش بیشتری از تولید خود را صرف سرمایه‌گذاری مجدد می‌نماید و بدین ترتیب خود را بازتولید می‌کند و تغییر می‌دهد. این ایده، مفهوم سرمایه‌داری را به عنوان اقتصاد خود مرجع مطرح می‌کند.

جین فرانسوا لیوتارد^(۱) استدلال کرد که "دانش نیروی اصلی تولید در چند دهه اخیر بوده است. دانش به صورت کالا تغییر شکل داده است" (Lyotard, 1984:5). او می‌گوید جامعه فراضعتی دانش را در اختیار عوام قرار می‌دهد تا دانش و تکنولوژی اطلاعات در جامعه اشاعه یابد و گفتمان‌های بزرگ ساختارها و گروه‌های متمرکز را در هم شکنند. این شرایط را لیوتارد شرایط جامعه فرامدرن می‌نامد.

بومی شدن تکنولوژی اطلاعات

فرایندی که طی آن تکنولوژی‌های مختلف در زندگی مردم ظاهر می‌شود موضوع تحقیقات گسترده قرار گرفته است. برخی به فرایند‌های اقتصادی نوآوری و خرید توجه کرده‌اند در حالی که برخی دیگر به فرایند‌های جامعه‌شناختی در زندگی روزمره مردم پرداخته‌اند. دسته اول به حجم جمعیتی که به تکنولوژی اظهار علاقه نموده و آن را می‌خرند توجه نموده‌اند و مردم را به دودسته زود پذیرنده و دیر پذیرنده تقسیم کرده‌اند. هر کدام از این دو گروه ۲۵٪ مردم را تشکیل داده‌اند و ۵۰٪ بقیه در حد وسط قرار دارند. البته توجه به موضوع خرید تکنولوژی توسط مردم برای این هدف که بخواهیم بدانیم وقتی یک تکنولوژی وارد می‌شود چه اتفاقی می‌افتد، کمک‌چندانی نخواهد کرد. سنجش حجم استفاده کنندگان از تکنولوژی آغاز کار است و نیاز داریم جستجو را به درون خانواده‌هایی که عملاً از تکنولوژی استفاده می‌کنند ادامه دهیم. در این زمینه تحقیقاتی انجام شده که در پایان اشاره خواهیم کرد. وجه مشترک تحقیقات تأکید بر چگونگی بومی شدن تکنولوژی است که توصیف آنچه اتفاق می‌افتد با بومی شدن حیوانات قابل مقایسه خواهد بود. وقتی تکنولوژی اینترنت و ارتباطات وارد ونخستین بار استفاده می‌شود، به جز برای مشتاقان، غالباً تهدید کننده به نظر می‌رسد به ویژه

برای کسانی که علاقه کمتر و دانش کمتر دارند. به تدریج آشنایی بیشتر، مشاهده، آموزش (واز همه مهم تر) استفاده آزمایشی آن منجر به بومی شدن می گردد. در این زمان بازار عرضه تکنولوژی، گزینه های ساده تر و ارزان تری ارایه می کند و روز به روز تعداد افراد بیشتری از آن استفاده می کنند و می دانند با آن چکار کنند و به چه درد خواهد خورد. این فرایند مانند اهلی شدن حیوان است که در نزد مردم روشن است و مردم با آن آشنا هستند ولی در مورد بومی شدن تکنولوژی عنوان تکنولوژی از روی آن برداشته می شود. اکنون دو نکته حایز اهمیت وجود دارد: یکی اینکه جای تکنولوژی در زندگی برای مردمان مختلف متفاوت است و دیگر اینکه در طی زمان نیز تغییر می کند. این مطلب در باره تلفن همراه و بومی شدن آن دیده شده است که یک ابزار تجارت، ایمنی، مد گرایی، راحتی و از همه مهم تر، برای جوانان مشتاق ارتباط اجتماعی محسوب می شود. ولی همین وسیله با همان خدمات در جاهای متفاوت در زندگی مردم معنی کاملاً متفاوت دارد. مثلاً در اغلب کشورهای در حال توسعه زنان از تلفن خانگی زمان بیشتر و دفعات بیشتری استفاده می کنند. این استفاده با افزایش سن تا زمان بازنشستگی کاهش و بعد از آن افزایش می یابد. با افزایش میزان اشتغال بانوان در جوامع فوق نیز روند مذکور تغییر یافته است. لیکن روند فوق در ارتباط با تلفن همراه متفاوت است. آخرین تحقیقات در اروپا نشان داده است که مردان ۲۵-۴۵ ساله از لحاظ دفعات مکالمه غلبه دارند. در حالی که زنان در سن نوجوانی بر مردان غلبه دارند و با افزایش سن غلبه زنان کاهش می یابد. پیام کوتاه در بین جوانان و سنین پایین تر از ۲۵ سال غلبه دارد و یک پدیده جوانی و نوجوانی محسوب می شود. این نتایج اگر چه تأثیر تفاوت بین نسلی را نیز نشان می دهد ولی تا حدی تفاوت جای تکنولوژی ارتباطی در زندگی مردم و نیز مسیرهای بومی شدن تکنولوژی را نیز نشان می دهد (Ben, 2003:4). شواهدی وجود دارد که نشان می دهد با گسترش ابزار اتصالات به اینترنت در اتاق نشیمن و آشپزخانه به موازات سایر فعالیت های زندگی استفاده بیشتری توسط اعضای خانواده از اینترنت (همانند تلفن خانگی) صورت می گیرد. لذا جای تکنولوژی در زندگی مردم تأثیر قابل ملاحظه ای در استفاده و بومی شدن آن دارد (همان).

رویکردهای استفاده از اینترنت

جامعه اطلاعاتی پدیده ای است که همه شهروندان کشورهای اروپایی در اوایل دهه ۱۹۹۰ با آن آشنا شده اند و واژه ای است که در زبان دانشگاهیان و سیاست گذاران به خوبی جا افتاده است و بدون ابهام به کار

می‌رود. چهار مفهوم یا گفتمان مسلط در این باره مورد استفاده است: اول گفتمان دگرگونی تکنولوژیک به عنوان تهدید یا فرصت که تکنولوژی اینترنت را هم تهدیدی برای اشکال سنتی جامعه اروپایی (مثلاً دولت ملی و فرهنگ منطقه‌ای) و هم فرصتی برای تحکیم و تقویت این جوامع می‌داند. دوم گفتمان جبرگرایی تکنولوژیک که این فرض را می‌پذیرد که دگرگونی امری اجتناب‌ناپذیر است و نیروی خارج از کنترل دولت یا کاربران است و در مقام یک کارگزار اجتماعی عمل می‌کند. سوم گفتمان سلطه بازار است که این فرض را قبول می‌کند که نیروهای بازار تصمیم خواهند گرفت کدام تکنولوژی پذیرفته خواهد شد و توسعه خواهد یافت. گفتمان چهارم به مردم به عنوان شهروندان و مصرف‌کنندگان توجه دارد. این گفتمان بین "شهروند" که دارای حق دست‌یابی به دانش و اطلاعات است و "مصرف‌کننده" که دارای منافع اقتصادی است تفاوت قایل است (Spittle, 2002: 225-249 Goodwin &).

بحث‌های فوق گفتمان مسلط در جامعه اطلاعاتی اروپا را تشکیل می‌دهد و یک گفتمان عینی و رسمی درباره استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) است و از اینجا وارد بیان رسانه‌های جمعی و توصیفات هنجاری روزمره در زندگی مردم و کاربران شده است. نکته اساسی این است که هنوز فاصله‌ای بین گفتمان عینی و رسمی با گفتمان ذهنی که در بیان روزمره مردم دیده می‌شود وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه مردم با اینترنت و کامپیوتر سازگار شده یا از آن فاصله دارند. مردم این تکنولوژی را چگونه توصیف می‌کنند و چه درکی از آن دارند. بدیهی است رسیدن به معنای ذهنی اینترنت و بررسی چگونگی سازگاری با آن در زندگی روزمره نیاز به روش کیفی دارد تا از نزدیک به موضوع پرداخته شود و جوانب مختلف آن از زبان مردم بررسی گردد. با وجود اینکه در جامعه ایران تحقیقات چندی در باره اینترنت و کاربران انجام شده ولی عمده با روش کمی صورت گرفته و تحلیل‌های کمی و آماری و روابط متغیرها مورد بحث قرار گرفته است. این روش به درون دنیای اجتماعی مردم رسوخ نکرده است. غالباً محققان ایرانی از نزدیک شدن به روش کیفی به ویژه در موضوعات مربوط به تکنولوژی پرهیز نموده‌اند. این مقاله ضمن نقد روش کمی قصد دارد نمونه‌هایی از کاربرد روش کیفی که در جوامع اطلاعاتی رایج می‌باشد را بیان کند تا محققان ایرانی به نقد و بررسی بیشتر در این باره پردازند. اکنون به جنبه‌های محدود کننده استفاده از روش کمی در ارتباط با موضوع بومی شدن تکنولوژی پرداخته می‌شود.

نقد روش کمی در بررسی بومی شدن اینترنت

استفاده از روش کمی در تحقیقات اجتماعی در ایران غلبه دارد. اگرچه بررسی این موضوع مجال بیشتری می‌طلبد ولی شاید بتوان دلایل چندی را ذکر نمود که از جمله آن‌ها الگوپذیری و تأثیرپذیری از روش علوم طبیعی بر اثر تأثیرپذیری از جامعه آمریکایی و تحصیلات برخی محققان در این جامعه و نیز حاکمیت فرهنگ کمی‌گرایی و گرایش به اعداد و ریاضیات در بین کارفرمایان تحقیقات و مدیران است که بیشتر با متخصصان فنی ارتباط دارند. از ابتدای پیدایش علوم اجتماعی در غرب بحث سلطه روش علوم طبیعی بر علوم اجتماعی و انسانی مطرح بوده و علوم به دودسته موفق و ناموفق تقسیم شده‌اند که این امر بر اثر توفیق علوم طبیعی در امور نظامی، عمرانی و غیره بوده است (۱۳۸۱:۹۲، بهروان). این در حالی است که حتی در جوامع پیش‌رفته غربی استفاده از روش کیفی در موضوعات مختلف علمی مانند پزشکی، فنی، مدیریتی، بازرگانی، سیاسی و غیره رواج یافته است ولی هنوز دانشگاهیان ما به ویژه در رشته‌های غیر علوم انسانی با این روش آشنایی و سازگاری کافی و نیز نگرش مثبت ندارند. شاید مشکلات استفاده از روش کیفی مانند زمان طولانی برای مشارکت محقق در صحنه، لزوم تخصص و اشراف بیشتر به موضوع، در کنار برخی نکات روش‌شناختی مانند تعمیم‌پذیری آماری و عدم استفاده از آمار و ریاضیات بر عدم گرایش به روش کیفی نیز مؤثر بوده است. نقد روش کمی در ارتباط با بومی شدن اینترنت به معنی نفی این روش در تحقیقات اجتماعی نخواهد بود بلکه میزان تناسب استفاده از این روش و مشکلات کاربرد آن در این زمینه مورد نظر می‌باشد.

برخی روش‌شناسان مانند سلوین و ستوارت^(۱) تحلیل‌گر پیمایشی را به شکارچی‌ای تشبیه می‌کنند که دنبال شکار نا معلوم می‌گردد. او در جستجوی یافتن نتایج معنادار از لحاظ آماری در بانک اطلاعات است. خطای های پیمایش آن قدر زیاد است که نمی‌توان تصمیم گرفت آیا باید از آن استفاده کرد یا خیر (Denzin, 1978:232). آنان تعداد سیزده نوع خطا برای روش کمی پیمایشی بر می‌شمارند که به مراحل جمع‌آوری اطلاعات و نمونه‌گیری مربوط است. لیکن عمده مشکلات روش کمی در چند نکته زیر است: نخست اینکه در این روش به نظام‌های معنی‌وارزشی زمینه‌مورد بررسی توجه نمی‌شود لذا سنجش بی‌ربط است. دوم، چارچوب معنی‌در فرایند جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها چارچوب محقق است نه پاسخ‌گو، لذا سنجش مصنوعی است. سوم، پدیده‌ها و مقوله‌های مشاهده‌ای دارای بار نظری و تئوریک هستند در حالی

که محقق کمی گرا در انتخاب تئوری سوگیری دارد و بعضی پدیده‌ها را می‌بیند و برای مشاهده‌ها انتخاب می‌کند در حالی که بعضی دیگر را به طور ضمنی در مشاهده و سنجش حذف یا سانسور می‌کند لذا سنجش گزینشی است. چهارم، درک محقق از علّیت همان مکانیکی و صرفاً همبستگی بین متغیرها است و روابط بیرونی را مطالعه می‌کند در حالی که علّیت ساختاری متن زندگی را مد نظر قرار نمی‌دهد یعنی پدیده محصول کل ساختار است نه معلول برخی عوامل آن. پنجم، کنترل معمولاً به شیوه آزمایشی یا آماری صورت می‌گیرد در حالی که ماهیت جهان اجتماعی این است که این جهان ذاتاً یک نظام باز است و با متغیرهای گزینش شده نمی‌توان آن را کنترل نمود. با وجود این مشکلات برخی محققان سعی نموده‌اند از روش کمی به گونه مقایسه‌ای با روش کیفی دفاع کنند و این مشکلات را برای روش کیفی نیز حل نشده بدانند (چلبی، بی تا: ۸۵-۸۶). لیکن رویه عمومی در بین جامعه‌شناسان این بوده است که در موضوعات ذهنی و ادراکی که به زندگی روزمره مردم در صحنه‌های خصوصی، ناشناخته و حساس مربوط است از روش کیفی استفاده نمایند. نورمن دنزین^(۱) که از روش‌شناسان معروف کیفی است می‌گوید: "روش تحقیق طبیعت گرایانه مستقیماً از زاویه فرایند اجتماعی و ساختار اجتماعی می‌نگرد. در این روش جامعه‌شناس باید به درون دنیاها زندگی روزمره کنش متقابل اجتماعی وارد شود. هدف این است که تئوری‌هایی طرح شوند که احساسات، تعاریف، نگرش‌ها، و رفتارهای افراد مورد مشاهده را تبیین کنند. زبان و اصطلاحات افراد مورد مطالعه باید فهمیده شود. تصویر مردم از خودشان و هویتشان، معناهایی که برای اشیاء اجتماعی دارند، ساختار وضعیت‌هایی که وارد می‌شوند، روابط اجتماعی که به وجود می‌آید همگی باید در قالب تئوری‌ای که واقعیت‌های مشارکت‌کنندگان در وضعیت را بازتاب می‌دهد توصیف و تحلیل شوند" (Denzin, 1978: 1-2).

کاربرد روش کیفی در بومی شدن اینترنت

اکنون به چند مورد از کاربرد روش کیفی برای بررسی گفتمان عینی و ذهنی استفاده از اینترنت اشاره می‌شود. این موارد از مقالات خانم تاینین اقتباس شده که نگارنده در سفر مطالعاتی خود به فنلاند درباره کاربرد روش‌های کیفی در موضوع اینترنت با وی بحث و گفتگو نموده است. گفتمان عینی به چارچوب‌های رسمی استفاده از اینترنت اشاره دارد. این چارچوب برخی چیزها را مورد توجه قرار می‌دهد در حالی که برخی دیگر

را مورد غفلت قرار می دهد. این گفتمان به تکنولوژی اینترنت توجه دارد و استفاده از اینترنت را با آمار کاربران بررسی می کند. سیاستمداران در استراتژی های ملی و روزنامه نگاران در ارایه اخبار از آن استفاده می کنند. در کنار این نوع استفاده از اینترنت گفتمان ذهنی وجود دارد که از زاویه دید مردم به اینترنت می نگرد. آنان تفسیر های خاص خود را از اینترنت دارند و جایگاه خاصی در اعمال روزانه خود برای آن تعیین می کنند. این دیدگاه ذهنی است زیرا بیان کننده احساسات، تعبیر و تجربه های مردم است. مردم نیز دارای دیدگاه عینی ذهنی درباره اینترنت هستند. نگاه آنان وقتی عینی است که دانش خود را در این باره مطرح می کنند و کاربردهایی که برای زندگی آنان دارد و زمانی ذهنی است که به تجربه شخصی خود اشاره می کنند و برداشت خود را بیان می کنند. این دیدگاه ممکن است متفاوت یا متناقض باشد. لذا در وضعیت های متفاوت معانی متفاوتی شکل می گیرند. نحوه تعامل مردم با اینترنت چگونگی بومی شدن اینترنت را نشان خواهد داد.

مفهوم بومی شدن اینترنت

زمینه نظری برای فهم توصیف ذهنی استفاده از اینترنت (ICT) با مفهوم بومی شدن اینترنت ارتباط دارد که سیلوراستون و دیگران بدان پرداخته اند. این مفهوم بینش ما را درباره تجربه زیسته کاربران افزایش می دهد. مفهوم بومی شدن وسیله ارزش مندی (تحلیلی و نظری) برای فهم استفاده از رسانه در ساختار های پیچیده زندگی روزمره مردم است. این مفهوم توجه محقق را به روابط شخصی، زمینه های اجتماعی، دگرگونی ها و تداوم ها و نیز به ارتباط پیچیده و فزاینده بین رسانه های مختلف، سازگاری و هم گرایی بین تکنولوژی های رسانه ای متفاوت و متن های رسانه ای معطوف می سازد. بومی شدن در این معنا در جستجوی چگونگی خلق معنا از آغاز، یعنی زمانی که تولید کنندگان و فرستندگان پیام معنایی را برای رسانه جدید می آفرینند، تا پایان برای استفاده (یا عدم استفاده) بعدی و معنایی که در پی آن پدیدار خواهد شد، می باشد. بنابراین، تأکید بر مصرف و تیز بر استفاده است (Silverstone, 1989: 15-3).

در این مقاله داده های مربوط به بومی شدن اینترنت از مصاحبه های عمقی با افراد مختلفی به دست آمده که نحوه استفاده خود را از اینترنت توصیف نموده اند. این توصیف با دو گفتمان عینی و ذهنی تحلیل شده است. گفتمان عینی به دانش تکنولوژی (اینترنت) و نیز به نوآوری های تکنولوژی و فرصت هایی که ممکن است در آینده فراهم سازد، معطوف است. لیکن گفتمان ذهنی، پراکنده و نامتعادل و حتی متناقض است. وقتی مردم

استفاده خود از اینترنت را توصیف می کنند نه فقط به نحوه استفاده بلکه به نوع گفتمان و بیان هایی نیز اشاره می کنند که در اجتماعات آنان پذیرفته شده و رایج است و آن همان ساختار های اجتماعی است که مردم در آن محدود و منحصر شده اند. کاستلز از جمله کسانی است که گفتمان عینی را در توسعه جامعه اطلاعاتی در فنلاند مورد بحث قرار داده و می گویند: "فنلاندی ها جامعه اطلاعاتی واقعی را به آرامی ایجاد نموده اند به طوری که هر شخص یک وب سایت دارد، صد درصد مدارس به اینترنت دسترسی دارند، کتابخانه رایانه ای برای بزرگسالان فراهم است، بیشترین شیوع رایانه و تلفن همراه در جهان را دارد، صنعت تکنولوژی اطلاعاتی آن در سطح جهان رقابت می کند که نوکیا در رأس آن است" (Castells, 2000: 72).

با وجود رواج گفتمان عینی درباره استفاده از اینترنت، مطالب اندکی درباره گفتمان ذهنی وجود دارد یعنی گفتمانی که زندگی روزمره استفاده کنندگان را در برگیرد. لذا بررسی این گفتمان حایز اهمیت است زیرا عطف عنانی است از رویکرد کمی و جبرگرایانه به رویکرد کیفی و رفتار روزمره مردم در رویارویی خود با اینترنت و انواع استفاده از آن. رویکرد اخیر بستری نیز فراهم خواهد ساخت که نتایج تحقیقات کمی درباره جامعه اطلاعاتی رسمی از طریق تجربه های شخصی مردم بهتر فهمیده شود. این رویکرد در جامعه در حال توسعه ای مانند ایران که به تازگی لیکن با سرعت و نیز با نگرش کمی گرا با اینترنت ارتباط برقرار نموده، نیز حایز اهمیت است. زیرا اکثر مردم به طور خودانگیخته و کمتر رسمی با این پدیده ارتباط برقرار می کنند لذا تصور و درک های متفاوتی از اینترنت نیز دارند که لازم است مورد توجه محققان قرار گیرد.

بومی شدن اینترنت هم مفهومی استعاره ای و هم تحلیلی است که نقطه تقاطع و ارتباط تکنولوژی با انسان را برای سازگاری، تطابق و همزیستی با یکدیگر بیان می کند. سیلوراستون بومی شدن تکنولوژی در یک جامعه را چنین تعریف می کند: "ظرفیت وارد نمودن و کنترل مصنوعات تکنولوژیک در فرهنگ تکنولوژیک خود و نیز ظرفیت تبدیل آن به امری کم و بیش نامحسوس، در امور روزمره زندگی خانوادگی" (Silverstone, et al. 1996: 24). وی چهار جنبه برای بومی شدن بیان می کند که عبارتند از: تناسب^(۱)، عینی شدن^(۲)، ورود^(۳) و تبدیل^(۴) (Silverstone, et al. 1992: 22-23).

1. appropriation
2. objectification
3. incorporation
4. conversion

مورد اول: مادر مجرد، بیکار، شهری، ایرلندی

این مورد از رساله دکتری انجام شده در دوبلین در سال ۲۰۰۳ استخراج شده است (Tiaien, 2005: 163). هدف این تحقیق که با استفاده از مدل بومی شدن صورت گرفته، بررسی این نکته است که تکنولوژی اینترنت در زندگی روزمره خانواده‌ها چگونه اهمیت دارد. مصاحبه‌های عمقی، برنامه زمانی روزانه و مشاهده مشارکتی برای توصیف جامع استفاده اینترنت به کار رفت. این مادر که مایرید نام دارد، سی و یک ساله و دارای دو فرزند است که در آپارتمانی در حومه شمال دوبلین زندگی می‌کنند. این منطقه از لحاظ شاخص‌های بیکاری، بزهکاری، مواد مخدر و فقر شهرت دارد. او دسترسی به اینترنت را از طریق کیوسک چنین بیان می‌کند:

"اگر تو کامپیوتر نداری، این روش خیلی دم دست است. ولی می‌دانی که خیلی گران است".

زندگی اجتماعی مایرید به خاطر وضع تأهل و وضع اقتصادی وی خیلی سخت است. لذا او شب‌ها با اعضای اتاق چت اینترنت وقت گذرانی می‌کند. این کار برای او منافع و زیان‌هایی دارد. او می‌گوید:

"آن‌ها نمی‌توانند مرا ببینند، و تو او را از این طریق می‌شناسی، تو می‌توانی هر وقت بخواهی گپ بزنی و هر وقت تو درد سر افتادی قطع کنی، من خیلی زرتنگ نیستم وقتی که وارد این نوع گفتگوها می‌شوم، ولی خوبه... من واقعاً فرصت ندارم در این باره صحبت کنم چون من تمام وقت اینجا هستم، من کاری ندارم... آن دوست پسرم و همه دوستان من است که در یکی جمع شده است".

وقتی مایرید مهم‌ترین دلایل استفاده از اینترنت را در خانه بیان می‌کند در باره مشکلات خود چنین می‌گوید:

"به خاطر یاد گرفتن چیزها، و به خاطر گپ زدن با مردم، یافتن چیزهایی که مایلیم درباره آن‌ها مطلبی بدانم (اشاره به شرایط پزشکی فرزندش می‌کند)، نحوه انجام کارها... و چیزهای منفی درباره من... مربوط به بچه‌ها است... وقتی توی اینترنت زمان زود می‌گذرد، می‌بینم ساعت ۱۰ شده و هنوز آنها بیدارند. ولی می‌توانم آن‌ها را خاموش کنم. وقتی استفاده نمی‌کنم خیلی کارها انجام می‌شود، همه جا تمیز است، واقعاً بد است."

بنا بر این می‌توان تعیین کرد که اینترنت چه نقشی در زندگی مایرید دارد به طوری که تأثیر مهمی روی کارهای روزمره و وقت خواب بچه‌ها دارد. زمان استفاده برای او جالب نیز هست چرا که با مردم معاشرت و فعالیت اجتماعی دارد و دوستانش را می‌بیند. لذا زندگی اجتماعی و ارتباطات او از طریق اینترنت صورت

می‌گیرد. اینترنت نقش دوستان را برای او ایفا می‌کند که منجر به وقت گذرانی و راحتی او می‌شود. او همچنین از طریق اینترنت با دنیا در تعامل است و این برای او یک آغاز تازه می‌باشد:

"من دارم وارد دنیای تازه می‌شوم"

مورد دوم: کشاورز روستایی فنلاندی

این مورد از یک طرح پژوهشی درباره استفاده از اینترنت گرفته شده است که در سال ۲۰۰۳ در فنلاند انجام شد (Tiainen, 2005: 163-169). توضیح اینکه این جانب در فرصت مطالعاتی به کشور فنلاند تعداد دو مقاله مربوط به کاربرد روش کیفی در تحقیقات را مورد نقد و بررسی قرار دادم و با خانم تاینین بحث و گفتگو نمودم. نتیجه بحث‌ها این بود که نگرش جامعه ما به نوع استفاده از تحقیقات در موضوعات مختلف اجتماعی منفی و غالباً متأثر از رویکرد کمی می‌باشد. این مقاله نمونه‌ای از کاربرد نتایج تحقیقات کیفی را ارائه می‌کند. هدف تحقیق مطالعه کاربرد و عدم کاربرد اینترنت در زندگی روستایی بود. از تکنیک‌هایی مانند مصاحبه عمقی، مشاهده مشارکتی و تحلیل وب سایت‌های محلی و رسانه‌ها استفاده شده است. این روستا در غرب فنلاند واقع است و ۴۰۰ خانوار دارد این روستا در بسیاری طرح‌های ارتباطی از جمله طرح استفاده از رایانه‌های دست دوم و ارزان قیمت برای روستاییان، فعال است. مورد میکو نام دارد که دارای ۵۵ سال سن است و با همسر و فرزند پسر یازده ساله اش زندگی می‌کند. همسرش در آموزش بزرگ سالان ثبت نام کرده و رایانه‌ای برای کمک درسی در اختیار وی قرار گرفته است تا مطالعاتش را برای کسب شغل پرستاری ادامه دهد.

ارتباط میکو با اینترنت در ابتدا از طریق اتصال خانگی، خیلی کند و با مشکل همراه بود. وی اتصالش را به باند پهن و سریع تر ارتقاء داد. این وضع تازه تفاوت زیادی در استفاده او از اینترنت به وجود آورد. میکو زمان استفاده روزافزون و صرف وقت خود را چنین بیان می‌کند:

"خیلی خنده دار است که یک شخص پیر یک رایانه دارد، وقتی که زندگی رو به افول است، ولی سرگرمی خوبی است... آن می‌تواند تو را به وب سایت‌ها ببرد... مقدار زمانی که تو صرف می‌کنی قابل توجه است... تو باید ورزش را نیز به خاطر داشته باشی، ولی وقتی پای رایانه نشسته‌ای متوجه نیستی و کمرخت می‌شوی."

هدف جالب طرح استفاده از رایانه های دست دوم تشویق مردم به محتویات اینترنتی برای استفاده در وب سایت روستا و تشویق ارتباطات روستایی و عمومی بود. میکواز طریق نوشتن تاریخ شفاهی روستا شرکت فعالی در این طرح داشت. او مقالاتی برای روزنامه ها نیز نوشت، و درباره تحولات استفاده از این تکنولوژی جدید چنین می گوید:

"چندی پیش مقاله ای برای یک روزنامه نوشتم وقتی آن را تایپ کردم، پریتش را گرفتم و سپس... با اتومبیل... آن را به سردبیر رساندم. ولی حالا تو آن را با ایمیل می فرستی، و کاری نمی خواهی انجام دهی... آن فرستاده شده... و می توانی به کارت برسی."

این تفاوتی است که در نگرش او به تکنولوژی جدید صورت گرفته است. او توضیح می دهد که چطور در ابتدا همه چیز دشوار بوده و سپس اینترنت و رایانه در زندگی وی جای خودش را پیدا نموده است لذا نمی تواند با آن ها مخالف باشد. این بدین معنی نیست که وی درباره خطرات احتمالی اینترنت انتقادی ندارد بلکه می گوید:

"تحت هیچ شرایطی نباید مردم منزوی باشند... نباید فقط با خودتان باشید... باید با مردم نیز در ارتباط باشید... وقتی فقط همسایه را از طریق اینترنت می بینی آن کاملاً آندوهیار است و دنیا به یک جامعه بی چهره مبدل خواهد شد."

این نوع نظرات محتوای داستان های او را درباره گذشته روستا و چگونگی تغییر آن یاد آور می شود. اینکه چگونه در گذشته مردم فعال تر بودند و بیشتر یکدیگر را ملاقات می کردند. او این تغییرات را بخشی از کل دگرگونی در جامعه می داند مانند اینکه اکثر مردم روستا اکنون نیاز دارند در خارج روستا کار کنند. او نقش تکنولوژی را در این دگرگونی چنین بیان می کند:

"قبلاً... سه نسل در یک خانه زندگی می کرد، حالا سعی دارند هرچه زودتر و جوان تر خانه را ترک کنند، به سختی در سن ۱۵ سالگی در خانه می مانند... و زود مستقل می شوند و این نوعی انزوا در این زمان است و البته امروز تکنولوژی هم هست، تو موبایل داری و همه نیز دارند و تماس با بچه خیلی ساده است."

مورد سوم: خانواده ریش سفید روستا در فنلاند

این مورد در سال ۲۰۰۳ در روستایی در ناحیه اوستروبوینیای جنوبی^(۱) در قسمت غرب فنلاند واقع است که ۳۵۰ کیلومتر از شهر هلسینکی (پایتخت فنلاند) فاصله دارد. جمعیت این روستا ۴۰۰ نفر است و دارای یک مدرسه، یک مغازه، یک بانک، و یک کلیسا می باشد (Tainen, 2005: 163-169). این خانواده شامل ریش سفید روستا، همسر، برادر، همسر برادر، و فرزندانشان بوده است. مصاحبه در منزل آنان انجام شد. گفتمان مسلط عینی جامعه اطلاعاتی استفاده از اینترنت را یک هنجار می داند که هر کسی باید از آن استفاده کند و برخی از مصاحبه شوندگان چنین می کردند. بخشی از مصاحبه بارش سفید روستا در این باره است. وی درباره استفاده از تقویم عمومی و مشترک روستا سخن می گوید و طی آن توصیف می کند کسانی که از اینترنت استفاده نمی کنند کارهای اضافی برای وی تولید می کنند:

"من همیشه فوراً بازی های توافق شده را در تقویم مشترک روستا می گذارم. دیگران آن ها را می بینند به طوری که نیازی به اعلام خاص ندارد... اگر چه بعضی هستند... البته چون هر کسی رایانه ندارد لذا... استفاده از آن خیلی زیاد نیست... لذا لازم است برایشان چاپ کرد و بطور دیگر به اطلاعشان رساند" (ریش سفید روستا).

همین طور، پسر وی درباره نخستین خاطرات از رایانه اش سخن گفت و درباره اینکه فقط به چیزهای خاصی گوش می داد و قیمت ماشین ها را می دید:

"پسر: اول ما یک رایانه داشتیم... ۶-۸-۲ بود... خیلی جالب بود... ما هنوز آن را داریم ولی نمی دانم کجاست.

مصاحبه گر: آن چه وقت بوده، چطور بود، چقدر از آن وقت گذشته، تو هنوز آن موقع مدرسه می رفتی؟

پسر: وقتی بود که ۶-۲-۲ سی... به پول قدیمی می ارزید."

همسر ریش سفید روستا گفتمان ذهنی را درباره استفاده از اینترنت مطرح کرد، وقتی که صحبت از جستجوی اطلاعات می کرد. وی گفت او اولین کسی نیست که می تواند از رایانه مشترک خانواده گی استفاده کند: [در اینترنت] چیزهای زیادی وجود دارد مثل دستورها، باغچه های مردم، مشورت. کارهای زیادی می توان کرد، آن دستورها را پیدا کرد، خیلی خوب نمایش داده می شوند، آن ها صحبت می کنند، من خیلی به آن ها

اهمیت می‌دهم... و بعد بدون ماشین (رایانه) آن‌ها را تنظیم می‌کنم ولی قشنگ تر این است که آن‌ها را در صفحه وب ببینی، ولی اگر بتوانم (همسر ریش سفید روستا) نمونه دیگر از این که چگونه مصاحبه شوندگان استفاده از اینترنت را بومی کرده‌اند، توصیف ریش سفید روستا درباره سرگرمی‌های خود است:

"سرگرمی من موسیقی است، طوری که گوش دادن همیشه... بوده مثل هوی راک، پروگرسو راک. مخصوصاً در هفتاد سالگی من خیلی زیاد گوش می‌دادم والان آن‌ها را از اینترنت می‌گیرم، آن صفحه‌های گرامافون قدیمی را، من آن‌ها را سفارش داده‌ام و از طریق پست دریافت کرده‌ام. سی‌دی‌ها و کسرت‌های دی‌وی‌دی، آن‌ها به مغازه روستا آمده‌اند. من آن‌ها را از آن‌جا می‌گیرم. خیلی قشنگ است که به آن‌ها نگاه کنی. وقتی مثلاً طراحی می‌کنم یا صورت حساب پرداخت می‌کنم یا چیزهای دیگر، من ممکنه که دی‌وی‌دی کسرت گوش کنم. (ریش سفید روستا)

بحث و نتیجه‌گیری

از مطالب پیشین می‌توان چنین نتیجه گرفت که چگونه گفتمان رسمی یا به عبارتی، گفتمان عینی جامعه اطلاعاتی بر چگونگی درک و تصور مردم از روابط خود با تکنولوژی جدید تأثیر گذاشته است. گفتمان عینی را که در زبان رسانه و گفتمان سیاسی بازتاب دارد، می‌توان پیش شرط دانش فرهنگی دانست (Urban, 1997:7). اوربان می‌گوید این تنها باعث نمی‌شود که مردم معنا بیافرینند بلکه بر مواجهه تجربی مردم، در این مورد تکنولوژی، نیز تأثیر می‌گذارد. سه مورد ذکر شده نشان داد که مایرید، میکو و خانواده روستایی چگونه این عناصر عینی و ذهنی را با هم ترکیب نمودند و نیز نشان داد که این افراد چگونه انزوای خودشان را درک نمودند و چگونه در محیط شبکه مشارکت نمودند. مایرید "خود را در گفتگوها زرنک نمی‌دانست" و میکو "فکر می‌کرد سن او مانع از استفاده از اینترنت است" و ریش سفید می‌گفت "سرگرمی من موسیقی است".

دگرگونی تکنولوژی در جامعه اطلاعاتی هم فرصت وهم تهدید است (Spittle and Goodwin, 2002:225-249). جامعه اطلاعاتی دو گفتمان را توأمان در خود دارد یکی در زبان رسمی و دیگر در زبان مردم. زبان مردم حاکی از ابهامی راجع به این دو گفتمان بود. مردم تجربه خود را از دیدگاه

شخصی بیان می کردند و چگونگی سازگاری اینترنت با زندگی خود را نشان دادند. ما این دو گفتمان را بیان کردیم تا نشان دهیم تکنولوژی بومی در بازار عینی است ولی در زندگی مردم ذهنی است. بومی شدن تکنولوژی معمولاً از دیدگاه عینی مد نظر است ولی از فرایند ظریف بومی شدن فردی غفلت می شود.

مصاحبه شوندگان مختلف نقل و قول های مشابهی داشتند وقتی که درباره استفاده از اینترنت سخن می گفتند. بیشتر آنکه از تجربه شخصی خودشان و مصرف خودشان درباره اینترنت بگویند، مایل بودند به صورت کلی و عینی صحبت کنند. گفتمان جامعه اطلاعاتی یک موضع جبرگرا و سستی راجع به ظهور تکنولوژی از طریق اقدامات فنی و علمی اتخاذ می کند لذا افسار گسیخته وارد جامعه می شود و لازم است خود را سازگار کند تا تکنولوژی را جایباندازد. در این نقل قول ها مصاحبه شوندگان شیوه های خاص خود را درباره استفاده از اینترنت بیان کردند و نیز درباره انتخاب هایی که داشتند یا وضعیت هایی که داشتند صحبت کردند. ما احساس آن هارا در باره فعالیت های کاری (عینی) و نیز سرگرمی ها و ارتباطات (ذهنی) بیان کردیم.

علاوه بر این کاربرد روش تحقیق کیفی برای بررسی موضوع استفاده از اینترنت مورد تاکید قرار گرفت تا گامی در جهت گسترش تحقیقات بین رشته ای در علوم اجتماعی در کشور ما باشد. کاربرد این روش راه را برای تحقیقات بین رشته ای که با موضوعات اجتماعی و انسانی سروکار دارد، باز می کند. این در حالی است که این نوع تحقیقات در کشور ما به ندرت انجام می شود زیرا نگرش مساعدی نسبت به روش کیفی وجود ندارد.

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۷۷): جامعه شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه.
- بهبهان، حسین، (۱۳۸۱): بررسی انتقادی روش های تحقیق در علوم اجتماعی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- چلبی، مسعود (بی تا)، رئالیسم روش شناختی در جامعه شناسی، نامه انجمن جامعه شناسی، مجموعه مقالات شماره ۱، تهران، ناشر نور حکمت.

Bell, Daniel (1976) *The Coming of Post-Industrial Society*. New York: Basic Books.

Ben, Anderson (2003) *Domestication of Information and Communication Technology*, *The Encyclopedia of Community*, Sge <http://www.essex.ac.uk/chimra/>.

Castells, M., 2000, 'Information technology and global capitalism', In Hutton, W. and A. (Eds.) *On the Edge: Living with Global Capitalism* Cape, London, UK. .

- Denzin, Norman (1978) *Sociological Method*, Mc Graw-Hill Book Company, New York
- Deutsch, Karl (1983) *Soziale und politische Aspekte der Informationsgesellschaft*. In: Philipp Sonntag (Ed.) (1983) *Die Zukunft der Informationsgesellschaft*. Frankfurt/Main: Haag & Herchen. pp. 68-88. Information society, From Wikipedia, the free encyclopedia
- Drucker, Peter (1969) *The Age of Discontinuity*. London: Heinemann
<http://www.amazon.com/Age-dicontinuity-Guidelines-changing-society/dp/1560006188>
- Goodwin, I. and Spittle, S. (2002), *The European Union and the Information Society*, *New media & Society*, Vol.4, No.2, pp225-249.
- Lyotard, Jean-François (1984) *The Postmodern Condition*. Manchester: Manchester University Press.
- Machlup, Fritz (1962) *The Production and Distribution of Knowledge in the United States*. Princeton: Princeton University Press.
<http://www.cscs.umich.edu/~crshalizi/notabene/machlup.html>
- OECD (1981) *Information Activities, Electronics and Telecommunications Technologies: Impact on Employment, Growth and Trade*. Paris: OECD.
<http://www.rsnz-org/publish/nzjmfr/1989/15.pdf>
- OECD (1986) *Trends in The Information Economy*. Paris: OECD.
<http://www.rsnz-org/publish/nzjmfr/1989/15.pdf>
- Porat, Marc (1977) *The Information Economy*. Washington, DC: US Department of Commerce http://www.shsu.edu/~eco_hkn/hkn/soma_ab.pdf.
- Silverstone, R.; Hirsch, E. and Morley, D. (1992). 'Information and communication technologies and the moral economy of the household', in R. Silverstone and E. Hirsch (Eds.) *Consuming Technologies. Media and information in domestic space*, pp.15-31. Routledge, London, UK, and New York, USA.
- Silverstone, R. and Haddon, L. (1996). 'Design and the Domestication of Information Technologies: Technical Change and Everyday Life' in Silverstone, R. and Mansell, R. (Eds) *Communication by Design. The politics of Information and Communication Technologies*, Oxford University Press, Oxford.
- Silverstone, R. (1989). *Families, Technologies and Consumption: the household and information and communication technologies*, Uxbridge, Middlesex: Center for Research into Innovation, Culture and Technology, CRICT discussion paper.
- Tiainen, Tarja (2005) *Beyond Objectivity: Conversing Subjective Information Society Discourse*, in Isaias, P., Kommers, P., and McPhoerson, M. (Eds.), *proceeding of the IADIS International Conference e-Society 2005, Malta, (27-30.6.2005)* pp.163-169.

- Tiainen, Tarja (2005) Beyond Objectivity: Conversing Subjective Information Society Discourse, published in Isaias, p. Koommers, P., and Mcphoerson, M (Eds.), proceeding of the IADIS International Conference e-Society 2005, Malta, (27-30.2005) pp.163-169.
- Touraine, Alain (1988) Return of the Actor. Minneapolis. University of Minnesota Press.
- Urban. (1996), Metaphysical Community, The Interplay of senses and the intellect .Austin: University of Texas Press.

مشخصات نویسنده

دکتر حسین بهروان دانشیار گروه علوم اجتماعی و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.

behnavan@um.ac.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی